

بخش اول : درک متن

- مواجهه‌ی گام به گام با درک مطلب
- واژه‌شناسی و درک معنی لغات ناآشنا
- تیپ‌شناسی و نحوه پاسخگویی به تیپ‌های مختلف
- تمرین‌های تستی درک متن

مواجهه‌ی گام به گام با درک مطلب

گام اول

روزنامه‌خوانی متن

(یک بار متن را با چشم سریع مرور کنید!)

اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ مِمَّا يَنْسَبُ لِلنَّصِّ:
من عجائب الدنيا التي لم تكتشف بكاملها لحد الآن هي الأهرام. و أكبر هذه
الأهرام يبلغ ارتفاعه ١٤٦ متراً و يحتوي على أكثر من مليوني قطعة من الصخور
يبلغ وزن القطعة الواحدة منها أكثر من طنين. و قد جعلت الواحدة جنب
الأخرى من دون استخدام أية مادة! و كانت هذه الصخور تُنقل بالزُّورق عن
طريق بحر النيل، حيث يُملأ الزُّورق بالماء لينخفض (ضدَّ «ارتفع») و يصبح
مساوياً لمستوى اليابسة، و حينئذٍ تُجَرَّ الصخور إلى داخل الزُّورق. فبعد الوصول
إلى المقصد كانوا يقومون بإخلاء الماء منه و جَرَّ الصخور إلى مكان قريب
بالأهرام، ثم ترفع بالحبال لتجعل في محلها المناسب! (سراسری زبان - ٩٠)

متن را پیش رویتان بگذارید و یک مداد را در دستتان بگیرید،
با نوک مداد کلمه به کلمه ولی خیلی سریع، بدون این‌که
روی کلمات وقت بگذارید، متن را مرور کنید. لازم نیست
کلمات را زیر لب تکرار کنید، کافی است با چشم آن‌ها را مرور
کنید، هدف از این مرور، این است که بدانید متن موردنظر
کلاً درباره‌ی چه چیزی صحبت می‌کند و با فضای متن و
قسمت‌های مختلف آن آشنا شوید. به این نمونه توجه کنید:

با مرور سریع این متن چه فضایی در ذهنتان شکل می‌گیرد؟

واژه‌ها و عباراتی مانند: عجائب الدنيا، الأهرام، أكبر، ارتفاع، وزن القطعة، تُنقل بالزُّورق، الوصول إلى المقصد، لتجعل في محلها المناسب و...
کافی است که ذهن شما به فضای متن نزدیک‌تر شود. به نظر می‌رسد متن درباره‌ی «اهرام مصر و اندازه‌های قطعات آن و روش حمل این
قطعات» توضیح می‌دهد. در مرحله‌ی اول همین مقدار کافی است. این مرحله نباید بیش از ۳۰ ثانیه وقت بگیرد.

اکنون، لازم است سراغ سؤال‌ها بروید. البته منظور این نیست که سؤال‌ها را با دقت بخوانید، بلکه باز هم هدف توجه به فضای سؤال‌ها و مواردی است که در هر سؤال، به آن‌ها پرداخته شده است. به عبارت دیگر هدف در این مرحله پیدا کردن کلیدواژه‌هایی است که لازم است در متن به آن‌ها دقت کنیم. بنابراین باز هم، با نوک مداد ولی بدون وسواس سراغ جمله‌هایی می‌رویم که در قالب سؤال و گزینه‌های مربوط به آن آمده است.

به سؤال‌های متن انتخاب شده توجه کنید.

۱. «جُرَّت الصخرة و فی الزّورق بالماء، ثم بالحبل و فی محلّها!» عین الصحیح للفراغات: (سراسری زبان - ۹۰)
 - ۱) يبلغ وزن مجموع صخور الأهرام طنين!
 - ۲) عدد الصخور في الأهرام يصل إلى مليونين!
 - ۳) كان العمّال يجزّون الصخور من تحت المياه!
 - ۴) ما كان أحد يقدر أن يحمل هذه القطعات بنفسه!
۲. عین الصحیح: (سراسری زبان - ۹۰)
 - ۱) يبلغ وزن مجموع صخور الأهرام طنين!
 - ۲) عدد الصخور في الأهرام يصل إلى مليونين!
 - ۳) كان العمّال يجزّون الصخور من تحت المياه!
 - ۴) ما كان أحد يقدر أن يحمل هذه القطعات بنفسه!
۳. عین الخطأ: (سراسری زبان - ۹۰)
 - ۱) كانت الأحجار في مكان بعيد عن الأهرام!
 - ۲) من دون إخلاء الماء لم يمكن إخراج الصخرة!
 - ۳) بالزّورق ترفع الصخرة إلى محلّها المناسب!
 - ۴) هناك أسرار بقيت، لم يقدر العلماء أن يجيبوا عليها!
۴. أعجب شيء في النصّ هو: (سراسری زبان - ۹۰)
 - ۱) رفع الصخرة بالحبال!
 - ۲) حمل الصخور بالزّورق!
 - ۳) كثرة الأهرام و حجمها و ارتفاعها و قربها بمياه النيل!
 - ۴) اتّصال الصخور بعضها ببعض من دون مادّة إضافية أخرى!



چه کلماتی در هر سؤال، به ترتیب توجّه شما را جلب کرد؟

سعی کنید ابتدا خودتان واژه‌های کلیدی هر سؤال را بیابید. واژه‌هایی مثل: جَرَّت، الرُّورق، الحبل / وزن مجموع الصّخور، عدد الصّخور، تحت المیاه، ما كان... یقدر، أن یحمل / مکان بعید عن الأهرام، إخلاء الماء، إخراج الصّخرة، ترفع الصّخرة، محلّها المُناسب، أصرار، لم یقدر العلماء / أعجَب، حمل الصّخور، كثرة الأهرام، حجم و ارتفاع، میاه النيل، اتّصال الصّخور، مادّة إضافية.

معمولاً فعل‌ها، اندازه‌ها، زمان‌ها و مکان‌ها، اسم‌های عَلم (خاص) می‌توانند جزء واژه‌های کلیدی باشند.

توجّه کنید که کلیدواژه‌ها ممکن است در متن‌های مختلف متفاوت باشند، به همین دلیل اگر ابتدای کار، نگاهی به سؤال‌ها بیندازید، درمی‌یابید که در این متن، به چه مواردی باید توجه نمایید.

دوباره خواندنِ متن با توجّه به واژه‌های کلیدی

گام سوم

اقرأ النّص التّالي بدقّة ثمّ أجب عن الأسئلة بما يناسب النّص:

من عجائب الدّنيا الّتي لم تكتشف بأكملها لحدّ الآن هي الأهرام. و أكبر هذه الأهرام يبلغ ارتفاعه ١٤٦ متراً و يحتوي على أكثر من مليوني قطعة من الصّخور يبلغ وزن القطعة الواحدة منها أكثر من طنين. و قد جعلت الواحدة جنب الأخرى من دون استخدام أيّة مادّة! و كانت هذه الصّخور تُنقل بالرُّورق عن طريق بحر النيل، حيث يُملاً الرُّورق بالماء لينخفض (ضدّ «ارتفاع») و يصبح مساوياً لمستوى اليابسة، و حينئذٍ تُجرّ الصّخور إلى داخل الرُّورق. فبعد الوصول إلى المقصد كانوا يقومون بإخلاء الماء منه و جرّ الصّخور إلى مكان قريب بالأهرام، ثمّ ترفع بالحبال لتجعل في محلّها المناسب! (سراسری زبان - ٩٥)

در این مرحله دوباره سراغ متن بروید و سعی کنید معنای جمله‌ها را بفهمید و زیر کلیدواژه‌هایی که براساس سؤال‌ها یافته بودید، خط بکشید. مهم‌ترین نکته در این مرحله، درگیر نشدن با واژه‌هایی است که معنای آن را نمی‌دانید. کافی است به جای هر واژه‌ای که معنای آن را نمی‌دانید، معادل عربی آن را قرار دهید و از آن بگذرید. همین که مفهوم کلی جمله را تا حدودی بفهمید، کافی است.

(در بخش واژه‌شناسی، در رابطه با چگونگی تقویت مهارت و ایجاد تسلط در این زمینه به‌طور مفصّل توضیح خواهیم داد.) بیشتر دقت کنید که کلیدواژه‌های مربوط به سؤال‌ها و گزینه‌های آن‌ها در کدام‌یک از جمله‌های متن به چشم می‌خورند. با این نگاه، متن را دوباره با هم بررسی کنیم:

این بار، به هنگام خواندن متن زیر کلماتی که به نوعی می‌توانند به کلیدواژه‌ها مربوط باشند، خط بکشید. برای مثال کلمه‌ی «أسرار» که جزء کلیدواژه‌های **گزینه‌ی «۴»** در سؤال ۳ بود و فعل «لَمْ یکتشف» به معنی «کشف نشده است» در جمله‌ی اول متن، می‌توانند در ارتباط باشند و یا «عدد الصّخور» در **گزینه‌ی «۲»** در سؤال ۲، و یا «وزن» در **گزینه‌ی «۱»** می‌تواند توجه شما را به کلمات «مليونی قطعة» و «أكثر من طنین» جلب کند.

تأکید کردیم که در این مرحله درگیر **معنای واژه** نشوید؛ برای مثال، اگر معنای «یحتوی» را در سطر اول نمی‌دانید، کافی است واژه‌ی «یحتوی» را عیناً جایگزین کنید و سعی کنید مفهوم کلی آن قسمت را بفهمید: (و یحتوی می‌شود بر بیش از دو میلیون قطعه ...)

ایجاد ارتباط میان سؤال‌ها با متن

گام چهارم

در آخرین مرحله دوباره سراغ سؤال‌ها بروید. اکنون می‌توانید تشخیص دهید که هر سؤال و گزینه‌های آن به کدام قسمت از متن مربوط می‌شود و آن قسمت را با دقت بیشتری بخوانید. نکته‌ای که در این مرحله با آن روبه‌رو می‌شوید، این است که **گاهی جواب سؤال‌ها مستقیماً در بخشی از متن وجود دارد، ولی گاهی هم چنین نیست.**

بر این اساس لازم است تیپ‌های سؤال را بشناسید. در فصل سوم، با انواع تیپ‌ها آشنا می‌شوید و نحوه‌ی پاسخگویی به هر یک از این تیپ‌ها را فرا می‌گیرید.

واژه‌شناسی و درک معنی لغات ناآشنا

در فصل اول، هنگامی که گام به گام مراحل روبه‌رو شدن با یک درک مطلب را آموختید، با واژه‌هایی روبه‌رو شدید که چندان به چشمتان آشنا نبودند و معنی آن‌ها را نمی‌دانستید؛ برخی از این واژه‌ها ممکن است در کتاب‌های درسی‌تان نبوده باشند و برخی را نیز ممکن است فراموش کرده باشید. یکی از مهارت‌های مهم در تمرین درک مطلب، برخورد درست با چنین واژه‌هایی است. دقت کنید به هیچ وجه منظورمان این نیست که حتماً معنای دقیق این واژه‌ها را پیدا کنید، بلکه هدف این است که:

«به نحوی با واژه‌های ناآشنا برخورد کنیم که قادر باشیم مفاهیم اصلی متن را درک کنیم.»

(۱) جایگزینی خود کلمه در ترجمه

بسیاری از مواقع، بهترین راه آن است که با کلمه‌ی ناآشنای عربی درگیر نشوید و خود کلمه را در ترجمه‌ی فارسی جمله قرار دهید، سپس سعی کنید مفهوم کلی جمله را بفهمید. فراموش نکنید که در درک مطلب، هدف فهمیدن مفهوم جمله‌هاست، نه تک تک کلمه‌ها!

مثال: «بعدَ یومِ عَسیرٍ خرجَ العَمَّالُ و الفَلاحونَ من سَاحاتِ عملَهم فرحینَ شاکرینَ.»^۱ (تارخ از کشور - ۹۴)

به نظر شما ندانستن معنای «عَسیر» در جمله‌ی بالا، مشکلی ایجاد می‌کند؟!

عبارت را ترجمه می‌کنیم و «عَسیر» را به همین شکل نگه می‌داریم:

«پس از روزی عَسیر، کارگران و کشاورزان از محل‌های کارشان شادمان و شکرگزار خارج شدند.»

همان‌طور که می‌بینید، نیازی به دانستن معنای واژه نیست و پس از درک مفهوم جمله، به سرعت می‌توانیم به سراغ جملات بعدی برویم. اما همیشه شرایط این‌گونه نیست؛ گاهی لازم است برای فهمیدن متن یا پاسخ به یکی از سؤالات درک مطلب، معنای یک کلمه‌ی ناآشنای عربی را حدس بزنیم. روش‌های بعدی به همین منظور ارائه شده‌اند.

۱. کلمات بررسی شده طوری انتخاب شده‌اند که خارج از کتاب باشند و شما سعی کنید به کمک روش‌های گفته شده با آن‌ها مواجه شوید.

۲) حدس معنای کلمه به کمک متن پیرامون

گاهی می‌توانید از کلمات و جملات پیرامون کلمه‌ی ناآشنا کمک بگیرید و سعی کنید معنای کلمه‌ی ناآشنا را تا حد ممکن درست حدس بزنید:

مثال: «إِنَّ السَّبَبَ فِي نَجَاحِ الْفَائِزِينَ يَعُودُ إِلَى ثَبَاتِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَعُودُ إِلَى مُوَاهِبِهِمْ! إِنَّ مَا يَبْدُو فِي أَوَّلِ الْأَمْرِ مُسْتَحْيِلًا، يَسْتَطِيعُ الثَّبَاتُ أَنْ يَجْعَلَهُ حَقِيقَةً.» (انسان - ۹۴)

فرض کنید در متن بالا، به کلمه‌ی «مستحیلاً» برخورد کرده‌ایم؛ با وجود آن، ترجمه می‌کنیم: «قطعاً دلیل موفقیت افراد پیروز به ثبات آن‌ها برمی‌گردد، بیش از آن‌که به موهبت‌هایشان برگردد! قطعاً آن‌چه در ابتدای کار مستحیلاً به نظر می‌رسد، ثبات می‌تواند که آن را به حقیقتی تبدیل کند.»
حال با توجه به ترجمه، می‌توان حدس زد که «مستحیلاً» به معنی «غیرممکن، غیر حقیقی» است. حتماً دقت کرده‌اید که متن پیرامون (به خصوص قسمت «ثبات می‌تواند که آن را به حقیقتی تبدیل کند!») در حدس معنی به ما کمک بسیاری کرد.

۳) توجه به کلمات مشابه در فارسی

گاهی اوقات وقتی به کلمه‌ی ناآشنای عربی برخورد می‌کنیم، با کمی فکر کردن متوجه می‌شویم که همان کلمه یا مشابه و هم‌خانواده‌ی آن در فارسی نیز استفاده می‌شود؛ معمولاً در چنین شرایطی، همان معنای فارسی یا معنایی نزدیک به آن، بسیار به ما کمک می‌کند.

مثال: «من المحاسن الأخرى لهذا الجهاز أنّ له إمكانيات نستطيع أن نستفيد منها في بعض المجالات خاصة في مجال التعليم؛» (زبان - ۹۳)

کلمه‌ی «محاسن» به همین معنی (امتیازات، منافع) در فارسی هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. کلمه‌ی «امکانات» بدین شکل در فارسی وجود ندارد، اما وقتی کمی از متن پیرامون کلمه^۱ را ترجمه می‌کنیم (... این است که امکانات دارد که می‌توانیم از آن استفاده کنیم در ...) و به دنبال کلمات مشابه آن در فارسی می‌گردیم، مشخص می‌شود که منظور متن، همان «امکانات» است.

۱. برای پیدا کردن معنی کلمه‌ی ناآشنا (وقتی که واقعاً به معنای فارسی کلمه نیاز داریم و نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم) باید سعی کنیم تنها قسمت کوتاهی از متن پیرامون کلمه را ترجمه کنیم و در نظر بگیریم، ترجمه و درگیر شدن با جملات طولانی یا یک پاراگراف، و پیدا کردن معنی یک کلمه در آن، همانند پیدا کردن سوزن در انبار کاه است!

مثال: إِنَّ الْفَيْلَ يَقْضَى ۱۶ سَاعَةً فِي الْبَحْثِ عَنْ غِذَائِهِ وَ لَا يَنَامُ إِلَّا ثَلَاثَ أَوْ أَرْبَعِ سَاعَاتٍ، وَ وَزْنُهُ يَصِلُ إِلَى سِتَّةِ أَطْنَانٍ وَ يَعْمرُ حَتَّى ۷۰ سَنَةً! (رياض - ۹۴)

در متن بالا به کلمه‌ی «**أطنان**» برخورد کرده‌ایم؛ جمله‌ی پیرامون آن را با حفظ کلمه‌ی عربی ترجمه می‌کنیم (... و وزن آن به شش **أطنان** می‌رسد و تا ۷۰ سال عمر می‌کند!)
در نگاه اول ممکن است کلمه ناآشنا باشد، اما وقتی می‌بینیم که به دنبال یک «**واحد اندازه‌گیری وزن**» هستیم، کلمه‌ی مشابه «**طن**» در فارسی به ذهنمان می‌رسد.

۴) استفاده از کلمات مترادف، متضاد و مشابه در متن

برای یافتن معنی برخی از کلمات ناآشنا می‌توانیم از کلمات و جملات مترادف و متضاد که در پیرامون کلمه آمده‌اند، کمک بگیریم.

مثال: «فَنحن حين غضبنا أو شعرنا بالقلق و الاضطراب، هذا الجهاز يقدر أن ينشر لنا ما نحبه لإزالة غضبنا أو قلقنا و ينصحنا أيضاً باتخاذ المواقف الملائمة!» (بان - ۹۳)

برای یافتن معنی کلمه‌ی «**القلق**»، متن پیرامون آن را ترجمه می‌کنیم (پس ما وقتی که دچار غضب می‌شویم یا احساس **القلق** و اضطراب می‌کنیم (...؛ مشخص است که «**القلق**» معنایی مترادف با اضطراب دارد. (القلق: نگرانی)

مثال: هُنَاكَ أَنْوَاعٌ أُخْرَى مِنْ الْأَسْمَاكِ مِثْلَ سَمَكَةِ الْإِيلِ الْأُورُوبِيِّ الَّتِي تَعِيشُ فِي الْمِيَاهِ الْحَلْوَةِ وَلَكِنَّهَا تَنْتَقِلُ إِلَى الْمِيَاهِ الْمَالِحَةِ لَوْضِعِ الْبَيْضِ فِي الْبَحْرِ.

برای یافتن معنی کلمه‌ی «**المالحة**»، متن پیرامون آن را ترجمه می‌کنیم. کلمه‌ی ناآشنا را به همان شکل عربی حفظ می‌کنیم (... ماهی ایل اروپایی که در آب‌های شیرین زندگی می‌کند ولی به آب‌های **المالحة** منتقل می‌شود برای گذاشتن تخم در دریا)؛ با توجه به حرف «**لکن**»: ولی» باید کلمه، معنایی متضاد با «المياه الحلوة» داشته باشد؛ بنابراین «المياه المالحه» به معنی «آب‌های شور» است.

مثال: هذه الرَّعاية لا تختصّ بالمحسوسات بل المعقولات و المعنويات كذلك بحاجة إلى روح

جدیده. (زبان - ۹۲)

در عبارت بالا، به کمک واژه‌ی کلیدی «بَل: بلکه» می‌توان متوجه شد که «المَعقولات» با «المَحسوسات» متضاد است.

۵) توجه به ریشه‌ی کلمه و استفاده از وزن‌های مختلف

همان‌طور که می‌دانید در زبان عربی، وقتی یک ریشه‌ی سه حرفی به وزن‌های مختلف درمی‌آید، معنا و مفهوم‌های مشخصی را ایجاد می‌کند؛ به‌طور مثال، وقتی یک ریشه‌ی سه حرفی به وزن «فَاعِل» درمی‌آید، مفهوم انجام دهنده‌ی کار یا دارنده‌ی حالت را دارد، اما همین ریشه بر وزن «مَفْعول» مفهوم انجام شده دارد، یا وقتی بر وزن «أفْعَل» ساخته می‌شود، مفهوم تفضیل و برتری می‌گیرد و با «تَرَاترین» ترجمه می‌شود؛ به عنوان مثال:

دانا (کسی که می‌داند)	عَالِم ←	بر وزن «فَاعِل» ←	} ریشه‌ی «عَلِمَ: دانست»
دانسته شده (چیزی که دانسته شده است)	مَعْلوم ←	بر وزن «مَفْعول» ←	
داناتر، داناترین	أَعْلَم ←	بر وزن «أفْعَل» ←	

استفاده از این وزن‌ها می‌تواند در یافتن معنای کلمه‌ی ناآشنا بسیار مفید باشد. از این رو، معروف‌ترین‌هایشان را بررسی می‌کنیم.

معروف‌ترین وزن‌ها و معنا و مفهومشان

۱) اسم فاعل

الف) در میان فعل‌های گروه اول (ثلاثی مجرد)، کلمه‌ای که بر وزن «فَاعِل» باشد، مفهوم صفت فاعلی و انجام دهنده‌ی کار را دارد. به عنوان **مثال:** شاکر (شکرگزار: کسی که شکر می‌کند). / عابد (عبادت کننده: کسی که عبادت می‌کند)

ب) در میان فعل‌های گروه دوم (ثلاثی مزید)، کلمه‌ای که بر وزن «مُفْعِل» باشد (به عبارت دیگر، با «مُ» شروع شود و عین‌الفعْلش هم کسره داشته باشد)، مفهوم صفت فاعلی و انجام دهنده‌ی کار را دارد. به عنوان **مثال:** مُعَلِّم (آموزگار: کسی که علم می‌آموزد). / مُقَلِّد (تقلید کننده: کسی که تقلید می‌کند) / مُسْتخْرِج (استخراج کننده: کسی که استخراج می‌کند)



۲) اسم مفعول

الف) در میان فعل‌های گروه اول (ثلاثی مجرد)، کلمه‌ای که بر وزن «مَفْعُول» باشد، مفهوم صفت مفعولی و انجام شده را دارد. به عنوان مثال: مَعْبُود (پرستیده شده: کسی که پرستش شده است.) / مَخْلُوق (آفریده: کسی که خلق شده است)

ب) در میان فعل‌های گروه دوم (ثلاثی مزید)، کلمه‌ای که بر وزن «مُ.م.َ» باشد (به عبارت دیگر، با «مُ» شروع شود و عین‌الفعلش هم فتحه داشته باشد)، مفهوم صفت مفعولی و انجام شده را دارد. به عنوان مثال: مُقَلَّد (تقلید شده: کسی یا چیزی که تقلید می‌شود) / مُسْتَخْرَج (استخراج شده: کسی یا چیزی که استخراج می‌شود)

۳) اسم تفضیل

در زبان عربی اسم‌هایی که بر وزن «أَفْعَل» هستند، مفهوم تفضیل دارند و به صورت «تر / ترین» ترجمه می‌شوند. به عنوان مثال: «أَعْلَم» (داناتر، داناترین)، «أَفْضَل» (بهتر، بهترین)، أَشْهَر (مشهورتر، مشهورترین) و...

۴) اسم زمان - مکان

در عربی، اسم‌هایی که بر وزن «مَفْعَل»، «مَفْعِل» یا «مَفْعَلَةٌ» هستند، معمولاً مکان یا زمان انجام کاری را نشان می‌دهند. به عنوان مثال: مَعْبَد (عبادتگاه: مکانی که در آن عبادت می‌کنند) / مَغْرِب (زمان یا مکان غروب)

بسیاری از اوقات، پس از این که تشخیص دهیم وزن اسم از چه نوعی است، با دانستن معنی ریشه‌ی سه حرفی کلمه، معنای کلمه‌ی ناآشنا را به راحتی می‌فهمیم.

مثال: لَا يَسْتَطِيعُ الْمُدْحَنُّ أَنْ يَتَنَاوَلَ كَمِيَةَ الْأَدْوِيَةِ الَّتِي نَتَنَاوَلُهَا عَادَةً، لِأَنَّ كَبَدَهُ لَا يَسْتَطِيعُ مُعَالَجَتَهَا.

در متن بالا به دنبال معنی واژه‌ی «الْمُدْحَنُّ» هستیم، با توجه به وجود «مُ» در ابتدای آن و حرکت کسره بر روی عین‌الفعل، با یک اسم فاعل مواجهیم. سه حرف اصلی کلمه «دخن» است که با «دخانیات» هم‌ریشه و هم‌خانواده است؛ بنابراین «الْمُدْحَنُّ» کسی است که دخانیات مصرف می‌کند: سیگاری.

دوستان عزیز استفاده‌ی درست و مفید از این روش‌ها برای یافتن معنای کلمات ناآشنا، تنها زمانی امکان‌پذیر است که بسیار تمرین کنید و در جملات مختلف، این روش‌ها را به کار گیرید. در تمرین‌های زیر سعی کنید ابتدا بدون نگاه کردن به گزینه‌های پیشنهادی، با دقت و به کارگیری روش‌های بالا، معنی کلمه را حدس بزنید و سپس با توجه به گزینه‌ها، معنی کلمه‌ی ناآشنا را انتخاب نمایید.

عین الصّحیح فی الترجمة لما تحته خطّ:

۱. «وَهَبَ اللهُ الْبَقِيلَ أَنْبِيَاءاً لِلدَّفَاعِ عَنْ نَفْسِهِ لَكِنَّهَا أَصْبَحَتْ وَبِالْأَعْلَى عَلَيْهِ حِينَ يَطْمَعُ الصَّيَادُونَ بِهَا لِيَبْعُوَهَا وَيَحْصِلُوا عَلَى أَمْوَالٍ وَنَقُوداً!»
.....(ریاضی - ۹۴)
- (۱) عاج - نعمت (۲) خرطوم - نعمت (۳) خرطوم - دردسر (۴) عاج - دردسر
۲. «فَمَنْ لَمْ يَحْسَبْ حَسَاباً لِلْعَوَاقِبِ لَا يَسْلَمُ مِنَ النَّوَائِبِ وَالشَّدَائِدِ!»
.....(ریاضی - ۹۴)
- (۱) آسانی‌ها (۲) دشواری‌ها (۳) پاداش‌ها (۴) کیف‌ها
۳. «الآية الكريمة تُشير إلى حقيقة علمية و هي أنّ الأرض و معها القمر لا يلتقيان مع الشمس!»
.....(ریاضی - ۹۵)
- (۱) حرکت نمی‌کنند. (۲) عبور نمی‌کنند. (۳) نورانی نمی‌شوند. (۴) برخورد نمی‌کنند.
۴. «الناس ثلاثة: ... و الأول شبيهه بالطبل الفارغ لا يصدر منه إلا الصوت، و هم كثيرون!»
.....(ریاضی - ۹۶)
- (۱) آسوده (۲) دور (۳) خالی (۴) پُر سر و صدا
۵. «من مظاهر هذه الصّلة وجود المفردات الفارسيّة الكثيرة في العربيّة التي تسرّبت عن طريق التجارة و الزّيارة و ترجمة الكتب!»
.....(ریاضی - ۹۳)
- (۱) نفوذ پیدا کردند. (۲) ارتباط ایجاد کردند. (۳) پیشرفت کردند. (۴) برگرفته شدند.
۶. «المزلات و المساقط التي يقع فيها أفراد البشر قد لا تسمح لهم بالتفكر حول كیفية النّجاة ممّا وقعوا فيه!»
.....(ریاضی - ۹۴)
- (۱) سقوط‌ها (۲) سقوط کنندگان (۳) محل‌های سقوط (۴) ریزش‌ها
۷. «أمّا عين العدوّ فهي حريصة على البحث عن السيئات لتعلنها!»
.....(تجربی - ۹۴)
- (۱) ببیند (۲) جست‌وجو کند (۳) آشکار کند (۴) بدی کند



۸. «إِنَّ الْفُطْرَ يَحْصُلُ عَلَى الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ مِنَ الْهَوَاءِ الرَّطْبِ وَ الْأَرْضِ الرَّطْبَةِ!» (هنر - ۹۴)
 (۱) تمیز (۲) مرطوب (۳) رطوبت (۴) پاکی

۹. «يسرُّ و عُسر، راحة و شقاء، طلوع و غروب، نزول و صعود و... فإذا كان الأمر هكذا فعليه أن لا تبطره النعمة إذا ارتفع، و لا تذللّه الشدّة إذا سقط!» (رياضی - ۹۴)

(۱) رنج - متواضع نکند (۲) آسایش - مغرور نکند (۳) آسایش - متواضع نکند (۴) رنج - مغرور نکند

۱۰. «كثيراً ما قد رأينا أشخاصاً يتكلمون بالأقوال الجميلة و المواعيد الخداعة ولكنهم بعد زمن يفشى سرهم!» (رياضی - ۹۲)

(۱) وعده‌های صادقانه - آشکار می‌شود (۲) وعده‌های صادقانه - پنهان می‌شود
 (۳) وعده‌های فریبنده - آشکار می‌شود (۴) وعده‌های فریبنده - پنهان می‌شود

۱. گزینه‌ی «۴»

عبارت را ترجمه می‌کنیم و کلمات ناآشنا را به همان شکل عربی نگه می‌داریم:

«خداوند به فیل برای دفاع از خویش آنیاباً بخشیده است اما آن، برای او وبالاً شده است هنگامی که صیادان به آن طمع می‌کنند تا...»

اولاً با توجه به عبارت کلیدی «برای دفاع از خویش» می‌فهمیم که «آن‌یاباً» یعنی «عاج»، نه خرطوم. هم‌چنین از کلمه‌ی کلیدی «لکن» که برای تضاد می‌آید، می‌فهمیم که منظور از «وبالاً»، «دردسر» است. (خداوند به فیل عاج را عطا کرده است اما ...)

هم‌چنین «وبال» به همین معنی در زبان فارسی هم آشنا و کاربردی است.

۲. گزینه‌ی «۲»

با توجه به این‌که «التَّوَأْب» با حرف واو به «الشَّدَائِد» معطوف شده است، معنایی شبیه به آن (سختی‌ها، دشواری‌ها) دارد.

۳. گزینه‌ی «۴»

عبارت را ترجمه می‌کنیم و کلمه‌ی ناآشنا را عربی نگه می‌داریم:

«آیه‌ی کریمه به حقیقتی علمی اشاره می‌کند و آن، این است که زمین و همراه آن ماه، لا یلتقیان با خورشید!»؛ با توجه به متن پیرامون، مشخص است که «برخورد نمی‌کنند» صحیح است.

۴. گزینه‌ی «۳»

«فارغ» بر وزن «فَاعِل» و اسم فاعل از ریشه‌ی «فَرَع» (خالی شد) است، پس به معنی «خالی، تهی» می‌باشد.

۵. گزینه‌ی «۱»

عبارت را ترجمه می‌کنیم و کلمه‌ی ناآشنا را به همان شکل عربی نگه می‌داریم:

«از مظاهر این ارتباط، وجود واژگان فارسی بسیار در عربی است که از طریق تجارت، بازدید و ترجمه‌ی کتاب‌ها تسرّبت!»؛ مشخص است که «نفوذ پیدا کردند» صحیح است.

۶. گزینه‌ی «۳»

نکته: اسم مکان معمولاً بر وزن «مَفَاعِل» جمع بسته می‌شود و اسم تفضیل عموماً بر وزن «أَفَاعِل» تبدیل به جمع مکسر می‌شود.

«المَسَاقِط» اسم مکان و جمع مکسر «المَسْقُط» است، بنابراین نشان‌دهنده‌ی مکان انجام یک فعل است، از طرفی با توجه به ریشه‌ی سه حرفی «س ق ط» می‌فهمیم که «المَسَاقِط» به معنی «محل‌های سقوط» است.



۷. گزینه‌ی «۳»

«تعلن» فعل مضارع مزید ثلاثی (از گروه دوم) و از باب افعال است، برای یافتن معنی، مصدر آن را می‌یابیم؛ مصدر آن «إعلان» است که در فارسی هم به کار می‌رود و کاملاً آشناست؛ بنابراین «اعلام کند، آشکار کند» صحیح است.

۸. گزینه‌ی «۲»

از ترکیب‌های «الهواء الرطب» و «الأرض الرطبة» می‌فهمیم که با یک ترکیب وصفی مواجهیم (دو تا اسم معرفه به «ال» و شبیه هم پشت همدیگر قرار گرفته‌اند)؛ بنابراین «الرطب» یک صفت است. اگر به ریشه‌ی سه حرفی آن (ر ط ب) توجه کنیم می‌فهمیم که با رطوبت و مرطوب و... هم خانواده است. بنابراین «مرطوب» صحیح است. (ترجمه‌ی کامل عبارت: قارچ از طریق هوای مرطوب و خاک مرطوب، مواد غذایی را به دست می‌آورد!)

۹. گزینه‌ی «۴»

قسمت اول را ترجمه می‌کنیم و کلمات ناآشنا را به همان شکل عربی نگه می‌داریم:
 «آسانی و سختی، راحتی و شقاء، طلوع و غروب، پایین آمدن و بالا رفتن و...»؛ با توجه به متن پیرامون متوجه می‌شویم که جفت کلمه‌های متضاد هم آمده‌اند، پس «شقاء» هم متضاد «راحتی» و به معنی «رنج» است.
 قسمت دوم را نیز به همان شکل بررسی می‌کنیم:
 «پس هرگاه موضوع این‌چنین باشد، باید نعمت وقتی زیاد شد او را لا تبطر...»؛ با توجه به متن پیرامون و مفهوم کلیدی زیاد شدن نعمت، «مغرور نکند» صحیح است.

۱۰. گزینه‌ی «۳»

عبارت را ترجمه می‌کنیم و کلمات ناآشنا را نگه می‌داریم:
 «چه بسا کسانی را دیده‌ایم که با حرف‌های زیبا و المواعید الخدّاعة سخن می‌گویند، اما بعد از مدتی، یفشی رازشان!»؛ با توجه به حرف‌های زیبا که به «المواعید الخدّاعة» عطف شده است، مشخص است که «الخدّاعة» یعنی «فریب دهنده»؛ این موضوع را از کلمه‌ی هم‌خانواده‌ی «خدعه»، که در فارسی هم کاربرد دارد، می‌توانستیم بفهمیم.
 «یفشی» یک فعل مضارع از باب افعال است، پس مصدر آن می‌شود «افشاء»؛ با توجه به کلمه‌ی «سِرّ» که پس از آن آمده است، «افشا می‌شود، آشکار می‌شود» صحیح است.